



عکس می‌توانند با نفرت و کینه و فقدان مهر و محبت محیط خانه را تبدیل بجهنمی سوزان پر از اختلافات ، ناراحتیها و کشمکش‌ها کرده ، هرگونه نشاط و لذت و خوشی و آرامش را از محیط خانه دور سازند .

دست یابی بصمیمیت ایده آل بین زن و شوهر در شؤن مختلف زندگی خانوادگی شروطی دارد و هر يك از آن دو باید رویه و رفتار خاصی برای حصول باین هدف مقدس درپیش گیرند .

برای اینکه حق بحث در این مسأله مهم خانوادگی را که یکی از اصول اساسی بقاء و استحکام خانواده‌ها بشمار میرود اداء کنیم لازم است بتدریج مسائل زیر را مورد بررسی قرار دهیم :

۱ - وظائف هر يك از زن و شوهر در ایجاد صمیمیت و حفظ و تحکیم آن چیست ؟ و چه کارهائی را باید در این باره انجام دهند ؟

۲ - چه کارهائی موجب از بین رفتن صمیمیت و صلح و صفا در محیط خانواده می‌شود ؟

۳ - محبت و صمیمیت تا چه حدودی پسندیده است ؟ و افراط و تفریط در آن چه زیانهائی دارد ؟

۴ - بد بینی زن نسبت به شوهر و شوهر نسبت به زن و بالاخره خیانت هر يك از زن و شوهر در عهد و پیمان زناشویی چه عواقب وحشتناکی دارد ؟

این به دست شماست که محیط خانوادگی و زناشویی خود را به بهشتی پر از نشاط و آرامش تبدیل کنید یا به جهنمی سوزان با همه دردها ورنجهایش .

اصولی را که باید برای رسیدن به سعادت و خوشبختی بکار بندید اینها است .

زن و شوهر در زندگی زناشویی خود میتوانند با

آسانترین وجهی صمیمیتی عمیق و ناگسستنی بین خود بوجود آورند و محیط خانواده را پر از نشاط و علاقه و لذت و محبت نسبت بیکدیگر سازند و بر-

۵ - نظر اسلام در این باره چیست ؟

پیش از هر چیز باید این حقیقت را پذیرفت که صمیمیت و آرامش و تفاهم کامل در تمام اوقات بین زن و شوهر در زندگی زناشویی، بسیار نادر است و اصولاً نباید انتظار داشت که همیشه باید صمیمیت بطور کامل پیدا شود و در غیر آن صورت خود را خوشبخت ندانسته و در تحصیل آن نا امید گشت و در نتیجه زندگی را بتلخی و ناکامی کامل کشانید زیرا بر خورد و تضاد بین نیازهای روحی و جسمی بین زن و شوهر تقریباً اجتناب ناپذیر است زیرا زن در داخل خانه روز را کار کرده، بنظافت و آشپزی و سایر امور مربوط بخانواده می پردازد، خسته و کوفته می شود و هنگام غروب طبیعی است که احساس خستگی کرده خیلی اشتیاق با استراحت دارد و یامیل دارد ولو برای مدت کمی هم باشد در خارج از منزل استراحت و با اصطلاح نفسی تازه کند.

در این هنگام شوهر که از صبح تا غروب در کوچه و بازار و خیابان و در محل کارش بامردم سرو کله زده، خسته و با اعصاب خورد شده هنگام شب بخانه باز می گردد قهراً نیاز دارد که با استراحت بپردازد، و انتظار دارد که همسرش نیز از وی پذیرائی کند و با او بامهر و گشاده رویی روبرو شود تا تجدید قوا کرده آرامش روحی و جسمی پیدا کند.

در اینجا است که نیازهای روحی و جسمی زن و شوهر بایکدیگر بر خورد کرده موجبات اختلاف و ناراحتی و شکوه و گلابه و حتی جدائی را پیش می آورد و در این وقت است که زن و شوهر هر دو ادعا میکنند

که طرفش وضع او را درک نمی کند و همین عمل دیر یا زود انفجاری در روابطشان ایجاد خواهد کرد. طریق عاقلانه در این هنگام برای رسیدن بتوافق و حل مشکلات، همکاری صمیمانه از هر دو طرف است.

در اینجا کارهای بظاهر ساده ولی در واقع مهم، وجود دارد که بطریق معجز آسائی میتواند از انفجار در زندگی زناشویی جلوگیری نماید مثلاً اگر زن آنها را بموقع انجام دهد از فشار و ناراحتی و خستگی انباشته شده در وجود مرد که ممکن است هر آن به بمب های آتش زائی تبدیل شود بطور محسوس میکاهد از اینرو روانشناسان معتقدند که همسر مرد تنها عاملی است که میتواند از شدت فشارهای او بکاهد و مانع بروز انفجار در مرد شود خوشی و به لذت و نشاط مرد بینفزاید.

این برخورد ها و تضادها و عدم گذشت و اغماض، در بعضی موارد بمراحل حساس و خطرناکی میرسد و سبب میشود که مسائل جدیدی پیش هر یک از آن دو مطرح شود مثلاً آن یکی در باره دیگری چنین میگوید:

او چه کار مثبتی تاکنون در حق من انجام داده و چه فداکاری در راه من کرده است؟ و باین ترتیب انتظارها و توقعها و گلهها پشت سر هم شروع می-گردد ولی غافل از اینکه این گونه سؤالها که مانع همکاری مشترک در زندگی زناشویی میباشد نباید مطرح گردد.

همانطور که هیچ زندگی زناشویی مداومی نمیتواند خالی از محبت نسبت بیکدیگر باشد همانطور هیچ زناشویی پسر دوامی هم نمیتواند خالی از خشم و غضب و احیاناً داد و فریاد باشد و چه بسا زن یا مرد در بعضی موارد بجبهاتی خشمگین و لجوج و تندخو می شود و طرف دیگر علت و ریشه آنرا نمی داند ، در اینصورت وظیفه طرف دیگر اینست سعی کند که افکار و احساسات او را درک کرده و بطرق مختلف مثل مکالمه و یا با تشریح احساسات و درد دل ، مهر و محبت و سمیمیت رفته را بحال عادی برگرداند. آیا هیچ فکر کرده اید چرا بعضی از زنان از خانه و کاشانه خود گریزان بوده و علاقه چندانی بخانه و زندگی خانوادگی خود نشان نمی دهند . وهم چنین چرا برخی از مردان که می بایستی بمدافعت از کار طاقت فرسا در بیرون خانه ، استراحت خود را بجای این که در منزل در کنار همسر و فرزندان خود انجام دهند و برای کار آماده گردند ، علاقه بخانه و همسر و فرزندان خود ندارند و شبها یا اصلاً بمنزل نمی آیند و یا دیروقت

می آیند ؟

البته این درد اجتماعی و خانوادگی «فراری بودن زن یا شوهر از منزل» علل و جهات گوناگونی دارد از جمله: فقدان محبت و سمیمیت و نرسیدن زن و مرد به نیازهای روحی و جسمی همدیگر و بالاخره فقدان آرامش روحی مورد احتیاج ، در محیط خانه می باشد .
بی محبتی شوهر به همسرش بزرگترین اثر را روی او می گذارد بطوریکه او را از محیط خانه و زندگی زناشویی بیزار می سازد ، وقتی شوهر به همسر و خانه بی توجه باشد زن نیز علاقه خود را بخانه و زندگی

احترام متقابل

اساسی ترین و مهمترین روشی را که زن و شوهر باید برای حصول سمیمیت دلخواه در محیط خانواده در پیش گیرند ، احترام متقابل است یعنی اگر سلیقه های زن و شوهر در بعضی از شئون مختلف زندگی با یکدیگر سازگار نباشد باید سعی کنند اصل همزیستی مسالمت آمیز را برای بقاء خانواده و استحکام آن، هر دو پذیرفته بکار ببرند و هم زن و هم شوهر برای طرف خود احترام قائل شود و سپس با اشتیاقی تمام بطور مشترك در حل مشکلات خود بکوشند و باید بدانند که با لجاجت و عناد و کینه توزی نه تنها نمیشود هیچ مشکلی را حل کرد و با تحمیل و اجبار نه تنها نمیتواند عامل سعادت بخشی در زندگی زناشویی محسوب گردد، بلکه موجب تشدید اختلافات و جدائیها و گسستن پیوند زناشویی و انحطاط خانواده ها میگردد .

* * *

بسیار اتفاق می افتد زن یا شوهری تصور میکند که طرفش برای او احترام لازم را قائل نیست ولی در حقیقت ممکن است فقدان احترام و محبت نسبت بیکدیگر ، بعلت عدم شناسائی نیازهای او بوده همسرش نداند که او بچه نوع محبت و احترامی نیازمند است یعنی احساس و نیاز روحی همسر خود را درک نمی کند زیرا چه بسیارند زنانی که چنین فکر میکنند شوهرم اگر مرا دوست دارد باید احساسات و افکار درونی مرا نیز درک کند و مطابق آن با من رفتار نماید»

سرسختی و ناراحتی روحی و خواه غیر آن باشد از یکدیگر پنهان دارند و آنها را بصورت عقده‌های روانی، رویهم جمع کنند زیرا ظاهر کردن احساسات درونی بطور صحیح و منطقی مسلماً در تخفیف مشکلات و تسکین آرام و بهبود روابط بین زن و شوهر بسیار مؤثر است زیرا سبب می‌شود که عقده‌ها بازگشته و از فشار روحی کاسته شود، و اگر بر فرض، تأثیری در گشودن عقده‌ها نداشته باشد اظهار آن‌ها بطور معقول، حداقل باین زودیها باعث گسستن پیوند خانوادگی نمی‌گردد از اینرو روانشناسان معتقدند: خشم‌های سطحی و بگومگو-های مختصر و کوتاه بین زن و شوهر در زندگی زناشویی مانند رعد و برق است و همیشه بعد از رعد و برق باران می‌بارد و این باران درخت زناشویی را بارور می‌سازد.

خانوادگی از دست داده، خانه را زندانی فرض میکنند که زندانبانی مثل شوهر از آن حفاظت میکنند، در این صورت زن ترجیح میدهد بهر نحوی شده، باید خود را از زندان آزاد سازد و از منزل و از کنار شوهر و فرزندان عزیز خود فرار کند.

و یا وقتی که زن در خانه از مسؤلیت خانه داری و شوهر داری سرباز زند و ابداً بفکر تأمین آسایش شوهر خود که خسته و کوفته از محل کار، بمنزل بازگشته است، نباشد و نیازهای روحی و جسمی او را بر نیآورد محیط منزل در نظر مرد نیز تبدیل بزندان می‌شود که دائماً در آن شکنجه می‌بیند و لذا از آن بهر نحوی که ممکن است فرار میکند. تذکر مهم در اینجا اینست که زن و مرد نباید عواطف و احساسات خود را خواه بصورت خشم و

امروز را غنیمت شمار

و برای آن بکوش

دنیاست چو رهروی و ما راه‌گذر!
یا بردل خاک همچنان گل پرپر!

دل را بنیامده نبایست سپرد
هر آن‌که اندر آن بسرخواهی برد

از م - حبشی زاده
(منتظر)

شبنم ره خود گرفت و گل راه دیگر
یا محو هوا شویم چون قطره آب

بر آنچه گذشته غم نمی‌باید خورد
بسیار عزیز است و عزیزش میداد